

تجربه کردیم و می‌کنیم؛ درواقع آیا نباید مفهوم انقلاب را از جابه‌جایی حکومت جدا کنیم؟ اینکه می‌گوییم در یک فضا و بازه جنبشی قرار داریم، ربط به این‌د دارد که دوره اصلاحات به‌صورت برگشت‌ناپذیر تمام شده؛ مسئله فقط شکست یک پروژه خاص سیاسی نیست. شکست اصلاحات، نشانه پایان یک دوره تاریخی است که دولت و توسعه درعمل به‌خصوص در ایدئولوژی هم‌پیوند بودند؛ دولت مدرن از زمان شکل‌گیری مشروعبیت‌اش را از ایده و پروژه‌های رفع عقب‌ماندگی، پیشرفت و توسعه می‌گرفته. با شکست اصلاحات ما وارد مر حله‌ای شدیم که ایده توسعه به پایان رسیده و نسبت دولت با مردم و سرزمین بر همین اساس به‌طور بنیادی تغییر کرده. به‌نظرم حرکت‌ها و جنبش زنان در بیش از ۴۰ سال گذشته مثال خیلی خوبی برای نشان‌دادن این تغییر است. ازیک‌طرف ما در تمام این مدت بسا رفتار زنانی روبه‌رو بودیم و هستیم که تلاش کردند فضاهایی که یا از دست دادند یا هرگز نداشتند، سانتی‌متر به سانتی‌متر پس بگیرند؛ در خانه، در مدرسه و دانشگاه، در محل کار و در خیابان. ازطرف‌دیگر، با یک جنبش مطالباتی-حقوقی و کم‌بیش سازمان‌یافته‌روبه‌رو بودیم که در دوره اصلاحات به اوج خود می‌رسد. با شکست اصلاحات، حق طلبی زنان هر چه بیشتر خصلت حقوقی-مطالباتی خود را از دست داد و بازپس‌گیری فضا، وجه غالب شد که در ۱۴۰۱ به اوج خودرسید. اینجا شاید بتوانیم به عقب برگردیم و بگوییم منطق بخش مهمی از جنبش‌ها در تاریخ مدرن ما از مشروطه به‌بعد، همین بازپس‌گیری فضاست. یا متعادل‌تر بگوییم، تاریخ مدرن را از منظر بازپس‌گیری بخوانیم و تحلیل کنیم.

**«ولی از مشروطه به‌بعد که نگاه می‌کنی، حداقل در نگاه اول، این بازپس‌گیری به‌اندازه این سه‌سال عیان نبوده است؛ گویی می‌توان سه آن به‌عنوان بزرگترین بازپس‌گیری اجتماعی نگاه کرد.**

کاملاً درست است. اتفاقی از این جنس و با این بداعت، این امکان را به وجود می‌آورد تا تاریخ را براساس آن بازخوانی کنیم. مثلاً مارکس هم کاپیتال را در مواجهه با اتفاق تاریخی بزرگی که رخ داده است -یعنی شکل‌گیری سرمایه‌داری- می‌نویسد و گذشته را براساس آن بازخوانی می‌کند. در اهمیت تاریخی این سه‌سال هم شکی نیست و بقیه لحظات قبلی را می‌برد زیر سایه خودش.

**«یعنی به آن لحظات قبلی تکیه نمی‌کند؟**

نه. سوار آن می‌شود اما این سوارشدن، اینطور نیست که اتفاقی تدریجی پیش آمده و حالا بر آن سوار شده است، به نظرم خودش انفجاری است که روی لحظات ماقبل خود، نور می‌اندازد.

**«درباره لحظاتی که قبل از انقلاب ۵۷ وجود داشته چه، مثل تلاش‌ها برای حق‌را‌ی و تحصیل زنان، شما به آنها ارجاع برای پیشینه نمی‌دهید؟**

ببینید من تلاش‌های بعد انقلاب را هم از یک‌جنس نمی‌بینم. جنبش سازمان‌یافته زنان تا زمان اصلاحات مطالباتی -حقوقی است و از منطق اصلاحات چندان خارج نمی‌شود. می‌خواهد فشاری از پایین بیابد تا بتوان در بالا، بر سر حقوق زنان در چار چوب موجود، چانه‌زنی کرد. در یک‌طرف با رفتاری در ساختار روبه‌رویم که در آن گرایش اشغال فضاهای بی‌اندازه افراطی می‌شود. درمقابل، واکنشی داریم که در برابر آن تن می‌زند و برعکس تلاش می‌کند فضاهارا پس بگیرد، اما تصرف آنچه ما معمولاً به عنوان فضای عمومی از آن یاد می‌کنیم، ذاتی دولت‌مدرن است؛ انطوکره که ایران شکل گرفت و مختص جامعه ما نیست. می‌توانیم برگردیم به عقب و برسیم تلاش‌ها و جنبش‌های زنان در قبل از انقلاب که اشاره کردید، در چه نسبتی قرار دارند با رسمی‌کردن فضا. آیا دارند سعی می‌کنند با پس‌زدن دولت، فضای عمومی را پس بگیرند یا خود نتیجه تصرف فضا هستند. طبعاً من دارم ایده آل تیپیک دو سر افراطی طیف را می‌گوییم، واقعیت معمولاً بینابین است.

افراد دارای اختلال هوشی رشدی خفیف فرشتگان مهر کلار» به یکی دیگر از خانه‌های کوچک معلولان ذهنی خفیف در سطح استان صادر شد.

متعاقب این اقدامات، سرپرست اداره کل بهزیستی استان به‌همراه رئیس اداره حراست استان، شخصاً جهت بررسی و پیگیری موضوع به شهرستان کلاردشت عزیمت کردند. ایشان در نشست مشترک با دادستان شهرستان، خاطرنشان کردند که اولویت اصلی و خط‌قرمز سازمان بهزیستی، حفظ حقوق، کرامت و شأن انسانی گروه‌های هدف است و در برابر هرگونه بی‌توجهی به تکریم‌فرزندان تحت حمایت یا آزار آنان، کوتاه نخواهد‌آمد و تمام اقدامات قانونی لازم را با قاطعیت تا حصول نتیجه مطلوب پیگیری خواهد کرد.

لازم به ذکر است که در کمتر از ۲۴ ساعت پس از وقوع حادثه، جلسه فوق‌العاده کمیسیون نظارت استانی بر مراکز، در ستاد بهزیستی استان تشکیل شد و پروانه تاسیس موسسه خیریه فرشتگان مهر کلار، لغو و موسسه منحل شد. همچنین پروانه فعالیت «خانه توانبخشی افراد دارای اختلال هوشی رشدی خفیف فرشتگان مهر کلار» و نیز پروانه مسئول فنی خانه فوق‌الذکر لغو شد.

در حال حاضر کودک یادشده (درسا) از لحاظ روحی و روانی در وضعیت کنترل شده و قابل قبولی است و براساس نظریه رسمی پزشکی قانونی، موضوع آزار جنسی به او، به‌صورت کامل رد شده و مورد تایید نیست. در حال حاضر اداره کل بهزیستی استان مازندران با تقدیم شکایت کیفری و

**«خب جاهایی مثل تلاش برای سوادآموزی در فضاهای آموزشی، فعالیت در موسیقی یا تئاتر در آن‌زمان، نشان‌دهنده این است که فضای عمومی برایشان دغدغه بوده است.**

بله. بوده ولی به یک‌معنا اینها فضاهایی هستند که پیشاپیش تنظیم‌اش کرده بودند؛ یا فضاهایی که بازتنظیم شدند. گویی زنان می‌گویند ـ یا ناچار می‌شوند بگویند ـ من به استلزامات ساختار تن می‌دهم اما مرا به فضا راه بده. این به‌نظرم به‌لحاظ کیفیت، با ۱۴۰۱ متفاوت است.

**«اینجا اما این را هم باید در نظر بگیریم که در همان زمان مشروطه، خواسته‌ها توسط طبقه اشراف یا زنان الیت پیگیری می‌شده و در فضای عموماً روستایی آن‌زمان که شهرنشینی مثل حالا توسعه پیدا نکرده بود، این بازپس‌گیری فضا، برای عموم زنان دغدغه نبوده. اما از ۱۴۰۱ به‌بعد، حتی در فضاهای روستایی هم این خواسته‌ها پیگیری شد.**

من می‌خواهم بگویم این خواسته‌ها از طرف هر طیف از زنان که پیگیری می‌شده، چیزهایی را می‌پذیرفتند تا بتوانند به خواسته‌ای برسند. گویی چیزی را می‌دهند تا بتوانند چیزی را بگیرند. اگر بخواهم با ار جاع به آثار افسانه نجم‌آبادی توضیح بدهم ـ البته انطوَر که می‌فهم‌اش ت مدرنیته ما در فرآیند تغییر رادیکال نقشه جنسیت و نرمالیزاسیون رابطه دگر-جنسی شکل می‌گیرد؛ به‌صورت سلسله‌مراتبی و مردسالارانه تعریف می‌شود مرد چیست، زن چیست؛ زن خوب کیست، مرد خوب کیست. زن خوب و مرد خوب، فرزندان مام وطن‌اند که باید هریک نقش خود را برای رفع عقب‌ماندگی و ترقی کشور ایفا کنند که تجلی‌اش دولت مدرن در قالب رژیم تازه‌تاسیس پهلوی است. پس اگر سواد می‌آموزند، باید در خدمت قوام یابی دولت و تربیت ملت باشد. شما اگر به این استلزامات پاسخ دادید، می‌توانید وارد فضای حکومت شوید. رابطه دولت و جامعه می‌توانست صورت دیگری پیدا کند اگر انقلاب مشروطه شکست نمی‌خورد. به‌خصوص اگر انقلاب مشروطه را انطور که معمول است نخه‌گرایانه نخوانیم، بلکه از منظر انجمن‌های مشروطه تحلیل کنیم. در قالب این انجمن‌ها ما با شکل‌گیری فضای عمومی روبرو هستیم. به میانجی این انجمن‌ها مردم فضای شهرها را با پس زدن حاکمان تسخیر می‌کنند. کامران سپهران در «تئاترکراسی در عصر مشروطه» ازجمله به وجه زنانه این بازپس‌گیری فضا اشاره می‌کند. ازاین نظر شاید بتوانیم تحولات ۱۴۰۱ به‌بعد را تکرار نامشابه انقلاب مشروطه از حیث بازپس‌گیری این فضاها بخوانیم.

**«نقبنی به گذشته زدیم، کمی درباره حال حاضر هم حرف زدیم. حالا اگر شما بخواهید چشم‌اندازی از آینده به‌دست بگیرید، فکر می‌کنید چقدر می‌توان تحولات اخیر را عاملی برای تغییرات طولانی‌مدت، حداقل به‌لحاظ اجتماعی و فرهنگی دانست؟ موانع سر راه چیست؟ هدفی بوده که دست یافته یا نیافته باشند؟**

من از اول مشکل ام با بیشتر تحلیل‌ها درباره این تحولات، رویکرد غایت‌محور آنهاست؛ اینکه مستقل از ویژگی‌ها، هدفی ازپیش‌معین تعریف می‌شود و حرکت نسبت به آن سنجیده می‌شود و بعد می‌پرسیم چقدر در خدمت رسیدن به آن هدف بوده است؟ رویکرد غایت‌محور، ضرورتاً دولت‌محور است، هر قدر هم از جامعه مدنی و ضرورت جامعه‌محوری حرف بزند.

**«این یک نگاه سنتی است. درست است؟**

بله. عملاً یک نگاه سنتی است. ببینید ما ۱۰۰ سال است برای داشتن دولتی دیگر، دورخیز کرده‌ایم؛ ذهن متفکران را این موضوع اشغال کرده که مدام درباره دولتی که نشد، فکر می‌کنند و هرگز درباره دولتی که شد، فکر نمی‌کنند. خب این میان یک دولتی وجود دارد دیگر و به‌صورت معینی بر مردم حکم می‌راند. به‌جای اینکه مدام بگوییم می‌خواهیم به چیزی برسیم که هنوز نیست، باید به خود ز حمت بدهیم و

پنجشنبه ۶ آذر ۱۴۰۴  
سال چهارم • شماره ۹۴۲  
www.hammihanonline.ir

بررسیم این چیست که الان وجود دارد چه انتظاماتی دارد، چگونه حکمرانی می‌کند و چرا؟ به‌نظرم می‌آید که تحولات اخیر، لااقل در گرایش غالب‌باش در ماه‌های اوج، برخلاف این رویکرد، از یک واقع‌بینی رادیکال بر خوردار بود و همچنان در لایه‌هایی از آن هست. گویا براساس تجربه، دقیقاً می‌داند با چه چیزی مواجه است، حتی اگر نتواند به آن یک بیان مفهومی و سیاسی مصرح بدهد؛ ازاین‌روست که می‌گوییم نمی‌توان به وضعیت قبل از آن‌سال بازگشت. ولی ما اصلاً حوصله نداریم به اینجا نگاه کنیم. (دنبال موضوعات دیگر هستیم)

**«منظورتان از «ما» بی‌که حوصله نگاه‌کردن ندارد، متفکران هستند؟**

بله. اغلب روشنفکران و به‌اصطلاح عالمان علوم اجتماعی. شاید در دهه‌های ۴۰ و ۵۰، جامعه‌شناسان این حوصله را داشتند که به میدان بروند، به روستاها بروند و... و آن را به موضوع تبدیل کنند؛ آن‌هم نه براساس مفاهیم و نظریه‌های ازپیش‌معین. این حوصله مدت‌های مدیدی است ازبین رفته و اصلاً وجود ندارد؛ آن چیزی که به نظم آکادمیک برمی‌گردد. بعد از انقلاب‌های متعدد فرهنگی، واقعیت تجربی برای آکادمی جذابیتی ندارد و امکانی هم به استاد و دانشجوی علاقه‌مند برای مطالعه آن نمی‌دهد.

**«این همان انتقادی است که شما اخیراً هم مطرح کرده‌اید؛ اینکه دانشگاه نمی‌تواند حرف از نظریه بزند درحالی‌که اتفاقات زمان حال را درست نمی‌فهمد.**

بله. همین نکته را مطرح کردم. البته نکات دیگری هم گفتم که دیگر تکرار نمی‌کنم. ما در دانشگاه در بهترین حالت، از نظریه‌ها شابلونی می‌سازیم و می‌اندازیم روی واقعیت. خود واقعیت انکار موضوعیتی ندارد. در قسمت اول گفت‌وگویمان درباره این واقعیت‌ها، تحولات در سطح جهانی و در سطح ملی، درباره هم‌زمانی و نسبت اینها با هم صحبت کردیم. اینجا برای دانشگاه موضوعیتی ندارند.

**«درباره نظریه‌پرداز ی در دانشگاه حرف به‌میان آمد و البته انکار واقعیت در نظریه‌پردازی؛ می‌خواهم بدانم به نظر شما این انکار واقعیت در سه‌سال گذشته چقدر در دانشگاه‌ها وجود داشته است، با وجود فعالیت‌ها و بر خوردهایی که با دانشگاه وجود داشته است؟ الان شما دانشگاه را عقب‌تر از جامعه ایران می‌دانید یا در مسیر آن؟**

من چون در دانشگاه نیستم، نمی‌توانم براساس مشاهده تجربی نظرم بدهم. اما چیزی را که از دور می‌بینم این است که فضای آکادمیک آنقدر از بالا و وزارتخانه‌ای است که هرروز ظرفیت‌های پیشین‌اش را بیشتر از دست می‌دهد؛ با انقلاب‌های فرهنگی متعددی که صورت گرفته، دانشگاهی شکل گرفته که مسئله‌اش تولید دانش و علم نیست؛ یکی از مکان‌هایی است که به آن هفت، هشت میلیون جمعیت وفادار، فضایی برای دستیابی به ثروت و امتیازات می‌دهد.

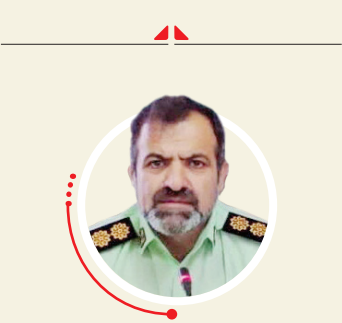
**«یعنی شما فکر می‌کنید فضا نامساعدتر از سال ۸۴ شده که ابتدای گفت‌وگو درباره آن صحبت کردیم؟**  
بله. قطعاً. اینکه چندنفر استاد اخراجی سابق را به دانشگاه برمی‌گردانند، در قاعده بازی تغییر ایجاد نمی‌کند. چون مکانیسم‌های جذب از پیش تعیین‌شده و راه‌ها برای کسانی که با حضورشان شاید اینجا و آنجا فضای دیگری را ممکن کنند، چندان باز نیست. با این حال فضای دیگری هم وجود دارد که فضای دانشجویی است؛ آن‌زمان هم که من دانشگاه بودم، همین حرفی را می‌زدم که الان می‌زنم. اینکه با دانشجویی مواجه می‌شوی که پر از مسئله است در یک جامعه پر از مسئله و آنها را با خود به دانشگاه می‌آورد و دانشگاه را باچالش روبه‌رو می‌کند. بیرون دانشگاه هم آکادمی موازی را داریم که دانشجوی مطالبه‌گر و دنبال دانش، از آن استفاده می‌کند و چیزهایی با خودش می‌برد. اینکه این دانشجویان با این داشته‌ها چه می‌کنند، نیاز به مطالعه تجربی دارد.

#### خبر سازان



### ادامه حریق جنگل‌ها

رئیس سازمان امداد و نجات جمعیت هلال احمر از حریق در جنگل‌های استان‌های گلستان و آذربایجان شرقی خبر داد. به گزارش ایسنا، بابک محمودی درباره آخرین وضعیت اطفای حریق در جنگل‌های الیت توضیح داد و گفت: «در حال حاضر آتش جنگل‌های الیت چالوس مهار شده، اما در دو استان گلستان و آذربایجان شرقی شاهد حریق‌های گسترده‌ای در جنگل‌ها هستیم». او درباره حریق استان گلستان در جنگل‌های کلاله، مینودشت و گالیکش اضافه کرد: «یک‌فرزند بالگرد هلال احمر از صبح امروز به‌طور مستمر در حال عملیات است و تاکنون چهار سورتی پرواز انجام داده است. همچنین ۳۲ تیم عملیاتی هلال احمر نیز در منطقه حضور دارند و در حال مهار آتش و امداد رسانی به مناطق درگیر حریق هستند.»



### بالگرد برای اطفای حریق نداریم

به گفته فرمانده یگان حفاظت از منابع طبیعی کشور، سازمان منابع طبیعی بالگرد اختصاصی برای اطفای حریق در اختیار ندارد. به گزارش ایلنا، مجید ذکریایی در برباره کمبود تجهیزات و نیرو در سازمان منابع طبیعی کشور توضیح داد و گفت: «اطفای آتش یک زمان طلایی دارد. اگر در همان زمان طلایی به منطقه در حال سوختن برسیم از توسعه آتش جلوگیری شده و میزان مناطق آسیب‌دیده کاهش می‌یابد. در این آتش‌سوزی منطقه صخره‌ای و کوهستانی بود و ما به جاده دسترسی نداشتیم همین مسئله انتقال نیرو و تجهیزات را مشکل کرده و باعث پیشروی آتش در دو، سه روز اول شد.» او تأکید کرد که ضروری است مجلس و دولت نگاهی ویژه به اعتبارات سازمان منابع طبیعی داشته باشند: «می‌توان به این سازمان که مدیریت ۸۳ درصد از خاک کشور را برعهده داشته و حافظ منابع‌زیستی کشور است، رویکردی عادی مانند سایر سازمان‌ها داشت. در حال حاضر ۲۱ پایگاه اطفای حریق منابع طبیعی در کشور جانمایی شده که ۹ پایگاه به بهره‌برداری رسیده است و امیدواریم با تأمین اعتبارات لازم، سایر پایگاه‌ها هم به بهره‌برداری برسند.»



## خسارت ۲۲ میلیارد دلاری آلودگی هوا

دانشیار دانشکده بهداشت و ایمنی دانشگاه علوم‌پزشکی شهید بهشتی اعلام کرد که براساس گزارش بانک جهانی، هزینه مرگ‌های منتسب به آلودگی هوا در ایران تقریباً ۲۲ میلیارد دلار است. به گزارش خبرآنلاین، عباس شاهسونی درباره هزینه‌های جانی و اقتصادی آلودگی هوا در ایران گفت: «طبق گزارش موسسه بار بیماری‌ها، حدود ۱۵ درصد از کل مرگ‌هایی که در کشور ما رخ می‌دهد، به‌علت آلودگی هواست. براساس همین گزارش، از هزینه‌های آلودگی هوا که ۱/۸ تریلیون دلار محاسبه شده بود، ۸۵ درصد مربوط به هزینه‌های مرگ زودرس است و حدود ۱۵ درصد، مربوط به بیماری‌های منتسب به آلودگی هواست. حالا براساس آنچه در این گزارش آمده، ۲۳ میلیارد دلار هزینه آلودگی هوا در ایران است و حدود ۱۵ درصد آن -یعنی سه‌میلیارد دلار- هزینه بیماری‌هایی است که به‌علت آلودگی هوا در کشور ایجاد می‌شود.» به گفته او، بیش از ۹۰ درصد مردم دنیا در نقاطی زندگی می‌کنند که غلظت ذرات معلق، بالاتر از راهنمای سازمان جهانی بهداشت است.